

## تفاوت حکمرانی علی بن ابی طالب (ع) و معاویه ابن ابی سفیان

طاهره محسنی<sup>۱</sup>؛ خدیجه احمدی بیغش<sup>۲</sup>

### چکیده

شریعت اسلام حکومت را اساسی بشر دانسته و بر ضرورت تشکیل آن تأکید دارد. هدایت انسانها به سوی خدا، اجرای فرامین و حدود الهی، اقامه قسط و عدل و... از جمله مهمترین اهدافی است که باید در جوامع بشری، توسط دستگاه حکومتی تحقق عینی یابد. نوشتار حاضر با روش تاریخی-تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای، درصدد بررسی شیوه‌های حکمرانی علی بن ابی طالب (ع) و معاویه بن ابی سفیان است. بررسی دوران حکومت علی (ع) به عنوان چهارمین خلیفه مسلمانان (از دیدگاه اهل سنت) در صدر اسلام از سال ۳۵ تا ۴۰ هـ.ق و دوران حکومت معاویه بن ابی سفیان با عنوان استاندار شام در سالهای ۴۱ تا ۶۰ هـ.ق نشان از اتخاذ شیوه‌های خاص هر یک در حکمرانی دارد. علی (ع) شیوه‌هایی چون: پایبندی به قرآن و سنت پیامبر اسلام (ص)، مبارزه با فساد، رعایت مساوات در توزیع بیت‌المال، عزل و نصب کارگزاران حکومتی براساس تقوا و شایسته‌سالاری، عدم تفاوت میان عرب و غیرعرب و مسلمان و غیرمسلمانان و معاویه شیوه‌هایی چون: استفاده ابزاری از دین در راستای تثبیت خلافت، جعل حدیث، برخورد و کنترل مخالفان، تشکیل حکومت

۱. استادیار دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خواهران (نویسنده مسئول)؛ t.mohseni@isu.ac.ir

۲. دانشجوی دکترای تفسیر تطبیقی و مدرس حوزه و دانشگاه؛ kh.ahmadi3103@yahoo.com

سلطنتی و موروثی در دوران حکمرانی خود بر بلاد اسلامی برگزیدند. معاویه به پیروی از سلف خود به دنبال حفظ و تقویت حکومت خویش و تبدیل آن به امری سلطنتی و موروثی بود، اما علی (ع) به پیروی از پیامبر (ص) در پی بسترسازی برای استحکام پایه‌های حکومت اسلامی براساس تعالیم قرآن و سنت و حکومت بر دل‌ها بود.

**کلیدواژگان:** حکمرانی، علی بن ابی طالب، معاویه بن ابی سفیان.

\*\*\*

#### مقدمه

دین اسلام حکومت و حکمرانی را نیاز فطری بشر دانسته و هدف از تشکیل آن را کمال معنوی و اخلاقی مردم، برقراری عدالت و نظم و امنیت، تأمین نیازهای مادی و جسمی و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی می‌داند. پس از پیامبر اکرم (ص) به استناد متواتر شیعه و اهل سنت، در دفعات متعدد از جمله در روز غدیر خم، علی (ع) را به عنوان جانشین و حاکم پس از خود اعلام نمود، اما در عمل سرنوشت دیگری برای حکومت رقم خورد و علی (ع) به عنوان خلیفه چهارم به حکومت رسید. تأکیدات مکرر ایشان در عمل به قرآن و سیره پیامبر (ص) و رعایت اصول و ضوابطی همچون سپردن مسئولیت به افراد شایسته، تقسیم عادلانه بیت‌المال و تسلیم نشدن در برابر مطالبات زیاده‌خواهان، ایشان را در طی حکومت خویش با مشکلاتی مواجه ساخت. از دیگر سو، معاویه بن ابی سفیان که سالیان بسیاری حکومت شام را بر عهده داشت، از خلیفه وقت پیروی نکرد و تلاش او برای حفظ امارت و امتیازخواهی‌های قبیلگی، موجب شد تا برای نخستین بار جنگ‌های داخلی ناکثین، قاسطین و مارقین در میان مسلمانان به راه افتد و حکومت در اسلام وارد مرحله جدیدی گردد که مهم‌ترین شاخص آن، تبدیل خلافت به سلطنت و موروثی نمودن رهبری سیاسی اجتماعی بود.

اگرچه در مورد شیوه‌های حکمرانی در اسلام کتب و مقالات فراوانی به رشته تحریر درآمده است، اما نوشته‌ای که مستقیم به بررسی تطبیقی شیوه حکمرانی علی بن ابی طالب (ع) و معاویه بن ابی سفیان بپردازد، یافت نشد. نوشتار حاضر با مذاقه در شیوه‌های حکمرانی امام علی (ع) و معاویه بن ابی سفیان، در پی بررسی و روشن‌سازی تغییرات اساسی ایجاد شده در طی سالیان متمادی در مسیر حکومت مطلوب اسلامی تا انحراف آن از سنت پیامبر (ص) که ریشه در نوع نگرش صحابه قرن اول به خلافت و حکومت داشت، می‌باشد. از این رو در ادامه به صورت مجزا و مفصل به موارد پرداخته خواهد شد.

### شیوه‌های حکمرانی علی بن ابی طالب (ع)

دوران حکومت علی بن ابی‌طالب، به عنوان چهارمین خلیفه مسلمانان از سال ۳۵ تا ۴۰ هـ ق به طول انجامید. علی (ع) در زمان خلافت خود تلاش کرد از مشارکت در بازیهایی فریبکارانه سیاسی و فرصت‌طلبی‌هایی که در حکومت اسلامی ریشه دوانده بود، ممانعت به عمل آورد و حاضر نبود مصلحتی را بر حقی مقدم شمارد به طوری که حتی حاضر بود در این راه با مخالفان به پیکار بپردازد (طبری، ۱۳۵۷: ۳/۴۵۱؛ ابن عساکر، ۱۴۲۱ق: ۶۲/۸۰؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵: ۱۰/۲۳۳ - ۲۴۰؛ کوفی، ۱۴۰۶ق: ۱/۴۵۲؛ جعفریان، ۱۳۸۵: ۳۶ و ۳۷؛ مادلونگ، ۱۳۷۷: ۱۴۸ - ۱۵۰؛ دباشی، ۱۹۹۵م: ۸۳ و ۸۴). این گونه نبود که او تنها از اعمال قدرت در رسیدن به اهداف حکومتی بهره گیرد، بلکه به روش‌های زیر تمسک می‌جست:

#### ۱- پایبندی به قرآن و سنت پیامبر (ص) مبارزه با فساد

علی بن ابی طالب (ع) یکی از وظایف رهبر جامعه اسلامی را احیای سنت پیامبر (ص) می‌دانست، لذا تمام همت خود را بر آن می‌داشت تا بر مبنای قرآن و سنت پیامبر (ص) عمل نماید و با بدعت‌گزاران در دین مقابله کند. وی در جواب افرادی که در خصوص انحراف از سنت خلیفه دوم اعتراض می‌کردند، قرآن و سنت پیامبر (ص) را سزاوارتر به پیروی می‌شمرد. ایشان دستور منع کتابت حدیث که در زمان قبل از خلافت او صادر شده

بود را لغو کرد و از افراد خواست تا آنچه نقل می‌کند، بنویسند. در مقابل، با قصه‌خوانی درباره پیامبران پیشین که عمدتاً مبتنی بر منابع یهودی بود و بعدها به اسرائیلیات مشهور شد به شدت مخالف کرد و آن را منع نمود و به عنوان نمونه دستور داد اگر کسی قصه داوود را طبق منابع یهودی بیان کند، بر وی حد جاری سازند. علی (ع) کوشید تا قرآن و سنت را به مردم عملاً آموزش دهد و با خطبه‌های فراوانی که در ترغیب مردم به زهد و پرهیز از دنیاطلبی ایراد می‌کرد، کوشید تا اخلاق جامعه را اصلاح نماید (طبری، ۱۳۵۷: ۳/۴۶۰؛ ابن عساکر، ۱۴۲۱ق: ۸۲/۶۲؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵: ۱۰/۲۳۳ - ۲۳۴؛ کوفی، ۱۴۰۶ق: ۱/۴۴۱؛ جعفریان، ۱۹۷۵م: ۲۹ - ۴۶).

## ۲- رعایت مساوات در توزیع بیت‌المال

علی بن ابی طالب (ع) از نخستین خطبه‌اش فضل و برتری مهاجر و انصار بر دیگران را امری معنوی دانست (نه واقعی) که پاداش آنها نزد خداست؛ اما هرکس که اسلام آورد حقوق و حدود وی یکسان خواهد بود. او در بدو خلافت، امتیازات مبتنی بر سابقه در اسلام و جایگاه قبیله‌ای را ملغی و بیت‌المال را به طور مساوی بین تمامی مسلمانان تقسیم کرد؛ به طوری که حاضر نشد حتی به برادرش، عقیل بن ابی طالب، بیشتر از سهمش از بیت‌المال بدهد. در حکومت وی، تمامی مسلمانان، چه آنهایی که سابقه‌ای طولانی در اسلام داشتند و چه آنهایی که به‌تازگی مسلمان شده بودند، در توزیع بیت‌المال یکسان نگریسته می‌شدند. علی (ع) در زمان خلافتش جنگجویان مسلمان را از غارت، اخذ غنیمت و تقسیم آن میان خود پس از فتوحات منع می‌نمود و به جای آن مالیات اخذ شده از شهرها را به عنوان حقوق و نه غنیمت جنگی، به میزان ثابتی میان جنگجویان توزیع می‌کرد و این اولین عامل اختلاف میان علی (ع) و گروهی که بعداً خوارج را تشکیل دادند، بود. سیاست خلیفه دوم، عمر، تقسیم فیء در میان فاتحان مسلمان بود، اما علی (ع) اموال را به طور مساوی در میان همه آنان که ذی‌حق بودند تقسیم می‌کرد. همچنین عمر زمین‌هایی را

که جزو فیه نبود به عنوان امتیاز به بزرگان قریش و دیگر قبایل می داد، اما علی (ع) هرگز چنین بخشش‌هایی را انجام نداد. همچنین علی (ع) برخلاف عمر، پیشنهاد داد که تمام درآمدهای دیوانی توزیع گردد و چیزی از آن اندوخته نشود. بدین ترتیب، در همان بدو امر به همه مسلمانان سه دینار از بیت‌المال بخشید و این موضوع باعث اعتراض طلحه و زبیر شد. آنان علی را متهم به انحراف از سیره سلف در تقسیم بیت‌المال کردند تا آنجا که برخی از اصحاب شکایت کرده و از او خواستند تا عرب و قریش را برتر از عجم و موالی قرار دهد. اما وی این کار را ستمگرانه دانست. در تقسیم اموال بین سیاه و سفید، برده و آزاد تفاوتی نمی گذاشت، حتی سهم خواهرش و کنیز خواهرش را یکسان پرداخت می کرد و می فرمود در قرآن برتری بین عرب و عجم یا فرزندان اسماعیل و فرزندان اسحاق نیست. عبدالله بن عباس در نامه‌ای به حسن بن علی، پس از شهادت پدرش، سیاست تقسیم مساوی فیه و دیگر بخشش‌های حکومتی را علت اصلی پراکندگی مردم از گرد علی (ع) و گرایش به معاویه برمی شمرد تا آنجا که عدم پذیرش اعطای امتیاز به سران و بزرگان قبایل از سوی علی (ع) آنها را در برابر رشوه‌های معاویه سست کرد (طبری، ۱۳۵۷: ۳/ ۴۶۰؛ ابن عساکر، ۱۴۲۱ق: ۶۲/ ۸۲؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵ق: ۱۰/ ۲۳۳ و ۲۳۴؛ کوفی، ۱۴۰۶ق: ۱/ ۴۴۱؛ جعفریان، ۱۳۸۵: ۳۶ و ۳۷؛ مادلونگ، ۱۳۷۷: ۲۷۶ و ۲۷۷).

### ۳- اولویت آبادانی سرزمینهای اسلامی بر دریافت خراج و مالیات

در جامعه متشکل از کشاورزان و چادرنشینان، علی (ع) در نامه‌ای به مالک اشتر دستور می دهد اولویت را بر آبادانی سرزمین قرار دهد نه گردآوری خراج؛ زیرا خراج فقط در صورت توسعه کشاورزی به دست می آید و اگر کسی بخواهد صرفاً خراج جمع‌آوری کند، کشور را ویران و مردم را نابود خواهد کرد و کارش دیری نمی پاید (طبری، ۱۳۵۷: ۳/ ۴۶۰؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵: ۱۰/ ۲۳۳ و ۲۳۴؛ جعفریان، ۱۹۷۵: م. ۳۴).

#### ۴- عدم تفاوت میان عرب و غیرعرب و مسلمان و غیرمسلمانان

علی (ع) بین عرب و عجم تفاوتی نمی‌گذاشت و ارزش افراد را تنها به دین آنها می‌دانست، نه نژاد و قبیله‌شان. او در دوران خلافتش اعلام کرد که زرتشتیان نیز از اهل کتاب هستند و پیامبر و کتاب و حیانی دارند، لذا مانند دیگر اهل کتاب از آنها خراج گرفته می‌شد. سیره حکمرانی علی (ع) در جنگ میان حاکم و شورشیان مسلمان، از مبانی تدوین احکام مواجهه با شورشیان درون جامعه اسلامی و تدوین «احکام بُغات» بود. علی (ع) در جنگ جمل حکم کرد که زخمیان و اسیران نباید کشته شوند، با آنان که سلاح می‌اندازند نباید جنگید و آنان که از میدان نبرد می‌گریزند نباید تعقیب شوند، فقط سلاح‌ها و مرکب‌های جنگی غنیمت گرفته شود. همچنین پس از نبرد دستور داد هیچ زندانی جنگی، زن یا کودکی، نباید به بردگی گرفته شوند و اموال کشتگان سپاه دشمن به وراث قانونی‌شان برسد (ابن اثیر، ۱۴۰۸ق: ۲/ ۱۷۲-۳۰۹؛ حموی، ۱۴۱۰ق: ۲/ ۱۷؛ ابن عساکر، ۱۴۲۱ق: ۶۲/ ۸۱؛ طبری، ۱۳۵۷: ۳/ ۴۶۲؛ مدلونگ، ۱۳۷۷: ۱۸۸ - ۱۹۰؛ جعفریان، ۱۳۸۷: ۳۸؛ آل صباح، ۱۴۲۶ق: ۸۳).

#### ۵- عزل و نصب کارگزاران حکومتی بر اساس تقوا و شایسته‌سالاری

علی بن ابی طالب برای حکمرانی خود، کارگزاران برگزید که می‌توان آنان را به هفت دسته تقسیم کرد: استانداران و فرمانداران، کارگزاران بیت‌المال، کارگزاران گردآوری صدقات، زکات و مالیات، بازرسان، قضات کاتبان و دبیران، حاجبان و دربانان، که جمع آنان بالغ بر نود و یک تن می‌شد. عده‌ای نیز به عنوان عیون (نیروی اطلاعاتی)، سفیران و فرستادگان و نیروهای نظامی و انتظامی (شرطه الخمیس) خدمت می‌کردند (ذاکری، ۱۳۸۵: ۱۹-۱۶). ایشان پس از رسیدن به خلافت، والیانی را که از جهت تقوا قابل اعتماد و شایستگی انتصاب برای خدمت به مردم بودند را به خدمت گماشت. همچنین او به این امر متهم شد که از مجازات قاتلان عثمان خودداری و سمت‌های اداری را از منصوبان و

طرفداران عثمان پاکسازی کرده‌است. یکی از مهمترین مخالفان علی، معاویه بود. معاویه فرماندار شام و از خویشان عثمان بود که خونخواهی قاتلان عثمان را حق خود می‌دانست (طبری، ۱۳۵۷، ج ۳، ص ۴۵۰؛ ابن عساکر، ۱۴۲۱، ج ۶۲، ص ۱۸۲؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵، ج ۱۰، ص ۲۰۳ و ۲۰۴) شام تحت فرمان معاویه بود، که از حکومت علی سرپیچی نمود (حسینی، ۱۳۷۹: ۳۴۰؛ ذاکری، ۱۳۸۵: ۳۴/۱) علی، معاویه را با اعزام والی جدید، و ارسال نامه، از امارت شام برکنار کرد، اما او از اجرای این دستور خلیفه وقت سرباز زد (طبری، ۱۳۵۷: ۳/۴۶۲ و ۴۶۱) معاویه با حاکمیت دیرینه خود بر منطقه شام، توانسته بود بر اوضاع آن جا تسلط یابد، و در زمان او، برای نخستین بار، جنگ داخلی در میان مسلمانان به راه افتاد. علی نامه ای به معاویه نوشت و او را از حکومت شام عزل نمود. معاویه پس از دریافت نامه، در میان مردم شام به سخنرانی پرداخت و مدعی خونخواهی عثمان شد (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۳۱۱/۲؛ منقری، ۱۳۷۰: ۱۱۷؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵: ۱۰/۲۳۲؛ یعقوبی، ۱۳۷۸: ۱۷۹/۲) برخی از اموری که موجب شد تا علی باقی ماندن معاویه بر امارت را تحمل نکند عبارتند از:

**۱. فاصله گرفتن او با آموزه‌های اسلامی:** از نگاه معاویه، امارت و قدرت حتی در اسلام چیزی نبود جز همان ملک و پادشاهی. عملکرد او نیز بر مبنای همین نگرش شکل می‌گرفت. چنانکه بعدها او فرزندش یزید را به ولیعهدی خود تعیین، و باب موروثی کردن خلافت را گشود. درحالیکه این نگاه، با آموزه‌های دین اسلام کاملاً مغایر است. (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵، ج ۱۰، ص ۲۳۴-۲۴۷؛ منقری، ۱۳۷۰، ص ۸۱)

**۲. اثرات ابقای معاویه:** ابقای معاویه بر امارت شام، به شکل دائم و یا موقت، به خودی خود دارای ابعاد و پیامدهای گسترده‌ای بود. از یکسو او همچنان از پذیرش خلافت علی بعنوان خلیفه وقت، امتناع کرده و حاضر نمی‌شد با وی بیعت کند. و از سوی دیگر معاویه در نگاه علی فاسقی بود که شایسته نیست حکومت به او سپرده شود. لازم به ذکر است یکی از درخواست‌های قیام کنندگان برضد عثمان، برکناری معاویه از امارت شام بود؛ به

گونه‌ای که در زمان عثمان، این معاویه بود که زعیم امویان بشمار می‌آمد. معاویه در نامه‌ای به علی (پیش از جنگ صفین) خواستار آن شد که به جز شام، امارت مصر نیز از آن او باشد (فروخ، ۱۹۸۶، ص ۱۱۳؛ ابن عساکر، ۱۴۲۱، ج ۶۲، ص ۹۱؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵، ج ۱۰، ص ۲۳۲) اما علی به هیچ وجه رفتار او را نمی‌پذیرفت (بیهقی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۳۶۴-۳۶۵).

### شیوه حکمرانی معاویه بن ابی سفیان

معاویه بن ابی سفیان، نخستین حاکم اموی است که تا سال ۶۰ قمری، حدود بیست سال، در دمشق خلافت کرد. در زمان ابوبکر در فتح سرزمین شام حاضر بود و در زمان عمر بن خطاب استاندار اردن و سپس استاندار تمام سرزمین شام شد. در شورش علیه خلیفه سوم، عثمان بن عفان، علی‌رغم درخواست عثمان، به یاری او نشتافت. در زمان خلافت علی ابن ابی طالب، با عنوان خونخواهی عثمان، وارد جنگ صفین شد. پس از شهادت علی بن ابی طالب، در معاهده صلح با حسن بن علی، خلافت مسلمین را به دست گرفت و دمشق را پایتخت حکومت خود کرد. در زمان او، فتوحات بیشتر، در سرزمین‌های غربی و شمال آفریقا بود و در سرزمین‌های شرقی به تثبیت فتوحات پیشین تاکید داشت. (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۴۱۶؛ ابن اثیر، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۴۳۳؛ ذهبی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۲۳؛ شوکانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۴۹۶-۵۱۶؛ اسکافی، ۱۴۰۲، ص ۲۱؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۵۹، ص ۱۰۳؛ عسقلانی، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۱۰۵؛ طبری، ۱۳۵۷، ج ۴، ص ۴۴۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۱۶) مهم‌ترین شیوه‌های او برای حکمرانی معاویه عبارتند از:

#### ۱- استفاده ابزاری از اصول دینی برای تثبیت خلافت

معاویه برای تثبیت پایه‌های حکومت، خلافت را به سلطنت تغییر، و در این راه از برخی اصول دینی نیز بهره می‌برد. وی به قدرت رسیدن خود را از سوی خدا، امر و قضای الهی می‌دانست؛ زیرا همه کارها در دست خداوند است (کاندهلوی، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۶۳؛ ابن منظور، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۸۵) معاویه در برابر مخالفت عایشه با ولایت‌عهدی یزید، آن را



قضای الهی دانسته که کسی را اختیاری در آن نیست. (ابن قتیبه، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۲۰۵؛ نباطی، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۴۸) زیاد بن ابیه، حاکم معاویه در بصره و کوفه، ضمن خطبه معروف خود گفت: ای مردم! ما سیاستمدار و مدافع شما هستیم و شما را با سلطنتی که خداوند به ما داده سیاست می‌کنیم (کوفی، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۱۸۰؛ جاحظ، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۴۹؛ طبری، ۱۳۵۷، ج ۵، ص ۲۲۰) یزید نیز در اولین خطبه خود، پدرش را بنده‌ای از بندگان خدا معرفی، که خداوند او را اکرام کرده و خلافت را به او بخشیده است (ابن قتیبه، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۲۲۵؛ بلاذری، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۲۹۹؛ یعقوبی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۳۲؛ ابن ابی شیبه، ۱۴۲۰، ج ۱۱، ص ۱۴۷) معاویه نظام سلطنت و پادشاهی را صرفاً یک نظام سیاسی می‌دید که کاری به دینداری مردم ندارد. از او نقل شده است که می‌گفت: به خدا سوگند! جنگ من برای برپایی نماز، روزه داری و حج‌گزاری و زکات دادن نبود، این‌ها را شما انجام می‌دادید، من با شما جنگیدم تا بر شما امارت یابم و خداوند آن را به من داد، در حالیکه شما از آن ناخشنود بودید. (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵، ج ۱۶، ص ۴۶؛ ابن منظور، ۱۳۸۵، ج ۲۵، ص ۴۳ و ۴۵).

## ۲- رواج احادیث ساختگی

معاویه به احادیث ساختگی بها داده و کسانی که به ساختن این قبیل احادیث مشغول بودند جایگاه ویژه‌ای در دستگاه خلافت او داشته و از مزایای بسیاری بهره می‌بردند. او در این راه دو روش را پیش گرفت: روش اول رواج احادیث ساختگی در مدح خود و سایر سران بنی امیه (شوکانی، ۱۴۱۵، ص ۴۰۳-۴۰۷) و دوم رواج احادیث ساختگی در ذم اهل بیت پیامبر اسلام (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۶۳) برای این امر عده‌ای از صحابه و تابعین را بر آن داشت تا بر ضد علی احادیثی روایت کنند از آن جمله ابوهریره، عمرو بن عاص، مغیره بن شعبه و عروه بن زبیر، به ساختن احادیثی در ذم علی گمارده شدند (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۶۳؛ سیوطی، ۱۹۹۷، ص ۲۴۳؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۶، ج ۷، ص ۳۷۱).

### ۳- سیاستهای اداری

معاویه از توانایی خود در پیروی از شیوه‌های اداری، ایجاد دیوان‌ها و ابزارهای اداری، برای استفاده در حکومت بهره برد. دیوان‌ها، در دوران معاویه شاهد تحول بود که ارتباط با روم و ایران در این امر تأثیر داشت. او از نظام اداری عمر بن خطاب، پیروی می‌کرد. معاویه از مسیحیانی که در حکومت روم کار می‌کردند در تنظیم دیوان مالی خود کمک گرفت. (صلابی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۳۵۶) دیوان‌های خاتم و برید را تأسیس کرد. دیوان خاتم برای بدون مهر نبودن نامه‌ها بود تا فردی به جز خلیفه از اسرار آن‌ها آگاه نشود و نامه‌ها در معرض جعل و دگرگونی قرار نگیرند، و گزارشهایی که از سوی استانداران دریافت می‌شد، ثبت گردد. دیوان برید نیز برای سرعت بخشیدن به ارتباط میان خلیفه و کارگزارانش درست شد. کارمندان این دو دیوان، علاوه بر ارسال و دریافت نامه‌ها، جاسوسان خلیفه بودند و رفتارهای استانداران را زیر نظر داشته و گزارش‌ها را برای خلیفه می‌فرستادند.

### ۴- سرکوب و کنترل مخالفان

در تمام دوران معاویه با وجود شدت عمل و خشونت استانداران نسبت به خوارج، آنان همواره موجب ناآرامی بودند. معاویه از خوارج نفرت داشت. خوارج نیز او را منحرف از مسیر اسلام می‌دانستند. اعمال آنان خلیفه اموی را پزیشان کرد و مخالف راه‌های مسالمت آمیز، دربرخورد با آنان بود و از این رو معاویه با خشونت به آنان پاسخ می‌داد. ناهمگونی عقیدتی خوارج اثر منفی بر نیروی نظامیشان گذاشت و برای حکومت اموی فرصتی شد تا بر آنان چیره شود. جنگ نهروان نخستین و آخرین جنگی بود که خوارج در آن، تحت سرپرستی واحد و در برابر دشمنی واحد جمع شده و پس از آن متفرق شدند (ابن اثیر، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۹) والیان و گماشتگان معاویه شورش‌های خوارج علیه معاویه را سرکوب می‌کردند. پراکندگی خوارج، نیرومندی حکومت و سیاست سختی که در برابر ایشان در عراق اتخاذ کرد، و گرایش کوفیان به تشیع آل پیامبر در سرکوب خوارج به کمک عمال

معاویه آمد و شورش آنان پایان یافت. (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۰۸) خوارج بصره نیز مانند خوارج کوفه گاهی شورش می کردند که با سیاست سختگیرانه‌ای معاویه این شورشها نیز سرکوب شد. (ابن اثیر، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۱۶) افرادی چون حسن بن علی، حسین بن علی، عبدالله بن زبیر و... نیز از جمله مخالفان معاویه، به شمار می آمدند؛ از آن رو معاویه حجاز را مستقیماً زیر نظر گرفت و استانداری از خاندان اموی برای این منطقه تعیین کرد تا مجری سیاست‌های او باشند. معاویه و کارگزارانش به شیوه‌های مختلف با شیعیان پیرو علی برخورد می کردند. ایجاد بیزاری از علی بی ابی طالب یکی از مهم‌ترین این شیوه‌ها بود. معاویه و دیگر امویان در دوره‌های بعد به سختی در حذف چهره علی از جامعه و معرفی او به عنوان عنصری جنگ طلب و خونریز فعالیت می کردند (طوقش، ۱۴۲۳، ص ۲۸) امویان معتقد بودند حاکمیت بنی امیه جز با سب علی پا برجا نمی ماند؛ لذا معاویه این امر را چنان گسترش داد تا کودکان با این شعار بزرگ شده، جوانان با آن پیر شوند و هیچ کس از علی فضیلتی نقل نکند، و برای شیعیان و پیروان علی بن ابی طالب اصطلاح "ترابیه" را رواج داد و به عمال خود نوشت: در میان شما هر که از شیعیان علی بن ابی طالب و متهم به دوستی اوست، از بین برید، حتی اگر دلیل و بینه‌ای برای این کار، ولو با حدس و گمان، از زیر سنگ بیرون بکشید (خطیب بغدادی، بی تا، ص ۴۷۹؛ طبری، ۱۳۵۷، ج ۳، ص ۲۲۸؛ بلاذری، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۸۴) به عنوان نمونه معاویه به سمره بن جندب چهارصد هزار دینار داد تا بگوید آیه «وَهُوَ أَلَدُ الْخِصَامِ» (بقره/۲۰۴) درباره علی نازل شده است (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۵۷؛ النعمانی، ۱۴۱۹، ص ۷۲) معاویه در پایان خطبه‌هایش علی را لعن و کارگزارانی را که چنین نمی کردند، عزل می کرد. مثلاً زمانی که حجر بن عدی کندی و عمرو بن حمق خزاعی و همراهانشان بپا خواسته و مانع لعن علی شدند، زیاد بن ابیه حاکم کوفه در پی دستگیری آنها برآمد و نزد معاویه فرستاده شدند و او دستور داد تا آنان را گردن زنند (یعقوبی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۶۲ و ۱۶۳؛ طبری، ۱۳۵۷،

ج ۴، ص ۲۰۷؛ کشی، ۱۳۴۸، ص ۹۹) عایشه نیز بدین کار معاویه اعتراض کرد. وقتی معاویه علت کار خود را صلاح امت ذکر کرد، عایشه گفت: شنیدم که پیامبر می‌گوید: پس از من مردمانی در عذراء کشته می‌شوند که خداوند متعال و اهل آسمان از قتل ایشان به خشم می‌آیند (سیوطی، ۱۹۹۷، ج ۲، ص ۶۱؛ ابن عساکر، ۱۴۲۱، ج ۱۲، ص ۲۲۶؛ الصفدی، ۱۴۱۹، ج ۱۱، ص ۲۴۸؛ مجلسی، ۱۳۵۴، ج ۱۸، ص ۱۲۴).

##### ۵- تشکیل حکومت سلطنتی و موروثی

سرلوحه شیوه حکمرانی معاویه، تلاش برای تثبیت حکومت و سلطنت برای خود و خاندانش بود، در همین راستا بیعت گرفتن برای خلافت پسرش یزید، در دستور کار و اهداف او قرار داشت. او از شیوه مسلمانان در گزینش خلیفه، حتی از دوران خلافت ابوبکر نیز، بیرون رفته، و برای بقای نظامی که بنا کرده بود، می‌خواست حکومت موروثی پدید آورد. عملی کردن چنین تصمیمی کار آسانی نبود؛ زیرا عرب‌ها از قبل، با حکومت موروثی آشنا نبوده و آشکار است که معاویه از اینکه ثمره تلاش‌های سی ساله‌اش در تأسیس حکومت اموی از بین برود، می‌ترسید، لذا برای اینکه خلافت در میان بنی امیه باقی بماند، یزید را برگزید. از دیگر سو او عقیده داشت که مرکز خلافت باید در سرزمین شام باشد؛ زیرا گرایش سیاسی آنان به سوی بنی امیه بود (طوقوش، ۱۴۲۳، ص ۳۳-۳۹؛ عبدالشافی، ۱۴۲۸، ص ۱۲۱؛ طبری، ۱۳۵۷، ج ۵، ص ۳۰۱-۳۰۷) معاویه اعلان ولایتعهدی یزید را تا ایجاد اوضاعی بهتر و از میان برداشتن مخالفان به تعویق انداخت. ایشان در نامه‌ای به کارگزارانش فرمان داد که به ستایش از یزید بپردازند و هیأت‌هایی را از شهرهای بزرگ به سوی او گسیل دارند و در این راه هزینه‌های هنگفتی از بیت المال کرد. مدینه بیش از دیگر شهرهای اسلامی با این بیعت مخالف بود. (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۵۰) حسین بن علی، عبدالله بن زبیر و عبدالله بن عمر پذیرش خلافت یزید را رد کردند و مروان این مطلب را به معاویه خبر داد. (ابن اثیر، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۲۵۰) زیرا آنان معتقد بودند اگر

خلافت موروثی است، ایشان بیش از یزید استحقاق خلافت دارند و اگر دلیل گزینش خلیفه انتخاب افراد برتر است، معاویه باید برای فراهم کردن بیعت اهل حجاز اقدام کند. معاویه در سال ۵۶ بیعت با یزید را رسماً اعلام کرد؛ (ابن اثیر، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۲۴۹) و برای جلوگیری از عصیان اهل حجاز به مدینه رفت و خواست تمایل مخالفان را به بیعت با یزید تضمین کند. او مخالفان را، به استثنای حسین بن علی و عبدالله بن زبیر وادار به بیعت با یزید کرد. (ابن اثیر، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۲۵۱؛ ابن قتیبه، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۱۸۲ - ۱۹۱؛ یعقوبی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۲۹؛ طبری، ۱۳۵۷، ج ۵، ص ۲۳۲)

### نتیجه‌گیری

نیاز به تشکیل حکومت امری فطری است و دین اسلام این واقعیت را که در جامعه اسلامی باید حکومتی وجود داشته باشد، امضای قطعی نموده و شیوه‌هایی برای اجرایی شده آن بیان داشته است. بررسی شیوه‌های حکمرانی حاکمان اسلامی در قرون و دوره‌های متممادی، در تحقق و حفظ اهداف اصیل اسلامی، موثره بوده و می‌تواند الگویی برای سایر حکومت‌ها و حُکام قرار گیرد. یافته‌های پژوهشی این تحقیق عبارتند از:

۱- پس از رحلت پیامبر اسلام و عدم اجرای فرمایشات مکرر ایشان مبنی بر خلافت علی بن ابی طالب، و پس از خلافت سه تن از خلفا، نفوذ امویان در ارکان دولت اسلامی و بروز انحرافات، به مرور اعتراضات گسترده مردمی بالا گرفت، و پس از مرگ خلیفه سوم، مردم با علی بن ابی طالب به عنوان خلیفه و حاکم بیعت کردند.

۲- اصرار علی بر عمل به قرآن و سیره پیامبر و رعایت اصول و ضوابطی مانند سپردن مسئولیت‌ها به افراد شایسته، تقسیم عادلانه بیت‌المال و تسلیم نشدن در برابر مطالبات زیاده‌خواهان، ایشان را با مشکلاتی مواجه ساخت. او در آغاز خلافت، افراد را که پایبند به آموزه‌های قرآن و سنت پیامبر بودند، جهت امارت بلاد بزرگ، به مناطق مختلف اعزام کرد.

۳- معاویه بن ابی سفیان که سالیان متمادی بر شام حکمرانی می کرد، و برای حفظ امارت خود با استفاده ابزاری از اصول دینی، احادیث ساختگی، کنترل و سرکوب مخالفان و... بهره می برد، از پذیرش امر خلیفه وقت خود داری کرد و در زمان او برای نخستین بار، جنگ های داخلی میان مسلمانان به راه افتاد.

۴- تفاوت حکمرانی علی ابن ابی طالب و معاویه بن ابی سفیان، ریشه در نوع نگرش آنان به حکومت و خلافت داشت. معاویه بن ابی سفیان سعی در حفظ و تقویت حکومت خود، و تبدیل خلافت به سلطنت و موروثی نمودن رهبری سیاسی اجتماعی داشت. اما علی بن ابی طالب به پیروی از پیامبر، در پی بسترسازی برای استحکام پایه های حکومت اسلامی بود، و حکمرانی را وسیله ای برای اجرای تعالیم قرآن و سنت می دانست. بنابراین در جایی که احتمال حتی به خطر افتادن اسلام را می داد، از حکومت دست کشیده، و همه همت خود را صرف ایجاد بستری مناسب برای حفظ و استحکام پایه های اسلام، و حکومت بر دلها، می کرد.

باتوجه به آنچه از شیوه های حکمرانی این دو حاکم صدر اسلام بیان شد، پیشنهاد می شود شیوه های حکمرانی سایر حکام اسلامی، در قرون و ادوار تاریخی دیگر نیز مورد بررسی قرار گیرد، تا زوایای بهتری از تاریخ گذشته برای نسل امروز ارائه گردد.

### فهرست منابع

۱. ابن ابی الحدید، فخرالدین ابوحامد، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: داراحیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۵ق.
۲. ابن ابی شیبیه، عبدالله بن محمد، المصنف ابن ابی شیبیه فی الاحادیث و الاثار، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۳. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
۴. ....، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.

۵. ابن تیمیه، أحمد، *منهاج السنة النبویة*، تحقیق محمد رشاد سالم، بیروت: مؤسسة قرطبة، ۱۴۰۶ق.
۶. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، *الإستیعاب فی معرفة الأصحاب*، تحقیق علی محمد بجاوی، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ق.
۷. ابن عساکر، علی بن الحسن، *تاریخ دمشق الكبير*، تحقیق ابی عبدالله علی عاشور الجنوبی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
۸. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، *الشعر و الشعراء طبقات*، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۲۴ق.
۹. ابن کثیر، اسماعیل بن محمد، *اشراط الساعة و امور الاخره*، بیروت: مؤسسه المعارف، ۱۴۱۹ق.
۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم، *اقوال الامام علی بن ابی طالب فی کتاب لسان العرب*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵.
۱۱. اسکافی، محمد بن عبدالله، *المعیار والموازنة: فی فضائل علی بن ابی طالب*، تصحیح محمدباقر محمودی، ۱۴۰۲ق.
۱۲. الاصبهانی، ابی الفرج، *مقاتل الطالبین*، قاهره: دار الاحیاء الکتب العربیه، ۱۳۶۸ق.
۱۳. آل صباحان، فیصل بن حیان، *مسائل فی الفتن*، بیروت: مؤسسه الریات، ۱۴۲۶ق.
۱۴. بلاذری، ابوالعباس، *فتوح البلدان*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.
۱۵. بیهقی، محمد بن حسین، *تاریخ بیهقی*، تهران: سنایی، ۱۳۸۴.
۱۶. جاحظ، عمرو بن بحر، *اخلاق الملوک*، بیروت: دارالطلیعه، ۱۴۲۴ق.
۱۷. جعفریان، رسول، *تاریخ و سیره سیاسی علی بن ابی طالب*، قم: تبیان، ۱۳۸۷.
۱۸. ....، *نگاهی گذرا به تاریخ نگاری در فرهنگ تشیع*، آیین پژوهش، ۱۹۷۵م.
۱۹. الحسینی، رضی الدین، *الطرایف فی معرفه مذاهب الطوائف*، قم: الخیام، ۱۴۰۰ق.
۲۰. حسینی، سیدغلامحسین، *کارگزاران و موقعیت جغرافیایی حکومت علی، حکومت اسلامی، ؟؟؟؟* ۱۳۷۹.
۲۱. حموی، یاقوت، *معجم البلدان*، تحقیق فرید عبدالعزیز الجندی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
۲۲. خطیب بغدادی، احمد بن علی، *تاریخ بغدادی او مدینه السلام*، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
۲۳. دینوری، احمد بن داوود، *اخبار الطوال*، قم: بی جا، ۱۳۶۸.

٢٤. دباشی، حمید، شیعه در تاریخ، ویرایش سید حسین نصر، عمان: بی جا، ١٩٩٥م.
٢٥. ذاکری، علی اکبر، سیمای کارگزاران علی بن ابی طالب، قم: بوستان کتاب، ١٣٨٥.
٢٦. ذهبی، محمد بن احمد (١٤١٤ق)، سیر أعلام النبلاء، تحقیق شعیب ارنؤوط، بیروت، مؤسسة الرسالة.
٢٧. سیوطی، جلال الدین، الجامع الصغیر، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بی تا.
٢٨. ....، تاریخ الخلفاء، تحقیق ابراهیم صالح، بیروت: دار صادر، ١٩٩٧م.
٢٩. شوکانی، محمد بن علی، الفوائد المجموعة: فی الاحادیث الضعیفة والموضوعة، تحقیق رضوان جامع رضوان، مکه: مکتبه نزار مصطفی الباز، ١٤١٥ق.
٣٠. الصفدی، خلیل بن ایبک، اعیان العصر و اعوان النصر، بیروت: دارالفکر، ١٤١٩ق.
٣١. صلابی، علی محمد (١٤٢٤ق) اعلام اهل العلم و الدین باحوال دولة الموحدين، بیروت، مکتبه
- الایمان
٣٢. طبری، محمد بن جریر (١٣٥٧ق)، تاریخ طبری، قاهره، مطبعة الاستقامة
٣٣. طقوش، محمد سهیل (١٤٢٣ق)، التاریخ الاسلامی الوجیز، بیروت، دارالنفائس
٣٤. عبدالشافی، عبداللطیف (١٤٢٨ق)، السیره النبویه و التاریخ الاسلامی، قاهره، دارالاسلام
٣٥. عسقلانی، ابن حجر (١٣٨٣ق)، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، بیروت، دارالکتب العلمیه
٣٦. العصفری، خلیفه بن خیاط (١٤١٤ق)، تاریخ خلیفه بن خیاط، بیروت، دارالفکر
٣٧. فروخ، عمر (١٩٨٦م)، تاریخ صدرالاسلام و الدولة الامویة، بیروت، دارالعلم للملایین
٣٨. کاندو هلوی، محمد یوسف (١٤٢٥ق)، حیاة الصحابه، بیروت، دارالکتب العربی
٣٩. کشی، محمد بن عمر (١٣٤٨ش)، اختیار معرفة الرجال، مشهد، مصطفوی
٤٠. کوفی، احمد بن اعثم (١٤٠٦ق)، الفتوح، بیروت، دارالکتب العلمیه
٤١. مبیض، محمد سعید (بی تا)، موسوعة حياة الصحابة من كتب التراث، سوریه، مکتبه الغزالی
٤٢. مجلسی، محمد باقر (١٣٥٤ش)، بحار الانوار، تهران، مهر



۴۳. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین (۱۳۸۴ق)، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، مصر، السعادة
۴۴. منقری، نصر بن مزاحم (۱۳۷۰ش)، پیکار صفین، تصحیح عبدالسلام محمد هارون، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی
۴۵. نباطی، علی من محمد (۱۳۸۴ق)، الصراط المستقیم إلى مستحقی التقدیم، تحقیق میخائیل رمضان، نجف، المكتبة الحيدرية
۴۶. النعمانی، محمد عبدالرشید (۱۴۱۹ق) امام ابن ماجه و كتابه السنن، بیروت: مكتب المطبوعات الاسلاميه
۴۷. نویری، شهاب الدین أحمد بن عبد الوهاب (۱۴۲۴ق)، نهاية الأرب في فنون الأدب، تحقیق مفید قمحیة، بیروت، دارالکتب العلمیة
۴۸. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۷۸ش)، تاریخ یعقوبی، تهران، علمی و فرهنگی
۴۹. مادلونگ، ویلفرد (۱۳۷۷ش)، جانشینی حضرت محمد (ص)، مشهد، آستان قدس رضوی